

عراق فرمایید  
زان پیش که بر سرش نشیمن آوردند  
و نامی تابان کالعه آوردند  
نورانی ایلمی که در کتب  
در حال نهد از بید و آوردند

میشود آنها که بار امانه را برداشته انسان عبارت  
از اینانست و آنها که بر نداشتند در ایوه انسان  
نیستند **سور** ذمی جان پدر این پند پند پر، برو فتر اک  
صاحب دولتی کی که قطره تا صدق را در نیاید نکرده  
کوه و دروشن نشاید، پس بر طالب صادق اول واجبست  
که خود را چنین صاحب کمال کلامیت فی بد الفسالی  
بپارد تا بود محدثان او را باب توبه و انابت و مخالفت  
نفسانی از معاصی منامی و ملاهی پاک گردانند **بیت**  
کمال از صحبت مردان توان یافت، دراز دریا و لعل از گمان  
توان یافت، دلار صحبت اهل صفا باش، چو صحبت  
یافتی اهل وفا باش بعد ازین لایق عزت **سور** **دوم**

کمال کلامیت فی بد الفسالی  
بپارد تا بود محدثان او را باب توبه و انابت و مخالفت  
نفسانی از معاصی منامی و ملاهی پاک گردانند **بیت**  
کمال از صحبت مردان توان یافت، دراز دریا و لعل از گمان  
توان یافت، دلار صحبت اهل صفا باش، چو صحبت  
یافتی اهل وفا باش بعد ازین لایق عزت **سور** **دوم**

می تراشد خط مشکین را ز روی هجر ماه  
ملک خوب را بفریب تیغ می دارد نگاه

عزت عزتست و حقیقت عزت کردن خویش است با اختیار  
چنانکه عرک انقطاع و انزوا بی اختیار واقع خواهد شد  
حال جبار حسی اختیار کند **بیت** دور حیات حتی آفر  
شود ولیکن نبود حیا جانوار که ز فای دوران واصل  
عزت عزت کردن خویش بود مخلوق **قسم** **سیم**  
خلوتست و هر که خلوتی باشد چهل شبانه روز نمی باید  
خفتیدن و هیچ چیزی تکیه نمی باید کردن و حیوانی نمی باید  
خوردن و معنی خلوت عبارت از خلوتست یعنی خانه  
دل را از هر چه غیر خفتست خالی می باید ساخت و اعتماد  
بمنت از مدتی می باید خوشت و از کثرت در خلوت خانه  
و صد می باید کز بحث تا آن صاحب کمال باب ولایت هستی

ارضا جوع تو ذبی ارب  
نالهون عجم شتر از لطافت  
نالهون شتر از خود را کور  
بگرد آتش در ده آفت زرد

دیگر بعضی کز روز هم شاه از باده عشق تو از نا و طرا